

عراقچی مسیر همکاری با ژانسه را برای نمایندگان تشریح کرد

مهر تایید شعام بر توافق قاهره

صفحه ۲

نیاز اقتصاد ایران

چرا ایران نخبگان خود را از دست می دهد؟

پزشکان نخبه در جستجوی عدالت

صفحه ۸

تولید در کمترین سطح ۵۸ ماه اخیر؛ اقتصاد زیر سایه قطعی برق و نوسانات ارزی پنج ضلع فشار بر تولید کنندگان ایرانی

کمترین مقدار ۵۸ ماهه را از آبان ماه ۱۳۹۹ ثبت کرده و انتظارات در مورد میزان فعالیت‌های اقتصادی در ماه آینده نیز به کمترین مقدار ۳۹ ماهه از خردادماه ۱۴۰۱ رسیده است...

صفحه ۷ رابخوانید

نوسانات ارزی، مشکلات مالی و رکود تقاضا همچنان چشم‌انداز فعالیت‌های اقتصادی را مبهم کرده است. بررسی اطلاعات این گزارش نشان می‌دهد: در مردامه میزان تولید محصول یا ارائه خدمات کل اقتصاد

قرار گرفته و نشان می‌دهد که هم تولید و هم تقاضا در پایین‌ترین سطح چند سال اخیر قرار دارند. در حالی که شدت افت صنعت اندکی کاهش یافته، مشکلات ساختاری همچون ناترازی انرژی، کمبود مواد اولیه،

تعال | گزارش مردامه شامخ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، تصویری از تداوم رکود گسترده در اقتصاد کشور ارائه می‌دهد؛ شاخص مدیران خرید با رسیدن به عدد ۴۵.۳ برای هفدهمین ماه متوالی زیر سطح خنثی

«تعال» بررسی می‌کند

پای بنزین به بورس باز شد



۲

یادداشت - ۱

خود تخریبی دولت!



حسین حقگو

می‌خواهیم برویم و ساعت یک برگردیم، در حالی که عملاً کار مفیدی صورت نمی‌گیرد، اما آب و برق و گاز مصرف می‌کنیم... واقعا باید در شیوه‌داره کشور بازنگری اساسی صورت گیرد.» (۶/۲۰) اواخر سال گذشته بود که ایشان برای نشان دادن ناکارآمدی بروکراسی، خود شخصا برای ساخت دیوار یک مدرسه در اهواز دست به «بیل» شد که البته بازتاب‌های مثبت و منفی زیادی هم در پی داشت (۱۵/۱۴۰۳). در ناکارآمدی نظام اداری و دیوانسالاری کشور شک و تردیدی نیست (رتبه ۱۲۱ از ۱۶۱ کشور جهان - مجمع جهانی اقتصاد). همچنانکه در گزارشی از مشاوران «هاروارد» مربوط به شش دهه قبل، در اوایل دهه چهل خورشیدی می‌خوانیم: «نظام اداری که قاعدتاً باید در خدمت غلانی کردن امور باشد در ایران عمدتاً در خدمت منافع شخصی و «کانون قدرت» بوده و هدف‌هایی را دنبال می‌کند که ماهیت سیاسی دارد و نه اداری... در ایران کمیسیون‌ها، شوراها، شوراهای عالی و سازمان‌های دولتی زیادی وجود دارند که رسماً مسوولیت اتخاذ اجرای سیاست‌های اقتصادی را به عهده دارند، بنابراین در هر زمان چند سازمان وجود دارند که قانوناً مجاز به سیاست‌گذاری کلان در امور واحد هستند؛ در چنین محیطی برای سد کردن راه اجرای سیاست‌ها به راحتی می‌توان یک سازمان دولتی را علیه سازمان دیگر برانگیخت... و از به فرجام رسیدن اقدامات جلوگیری کرد و البته نمی‌توان هیچ سازمان یا شورایی را نیز مسوول شکست سیاست‌ها و برنامه‌های دولت دانست.»

(برنامه‌ریزی در ایران - مک‌لئود). بخش مهمی از این معضل عمیق و تاریخی، ناشی از «ساخت قدرت» در ایران است که برخلاف دولت‌های اروپایی سبب ایجاد دولت ملی مدرن مبتنی بر حقوق اساسی مردم و توسعه اقتصادی به شیوه سرمایه‌دارانه در ایران نشد و ساخت‌وگانه قدرت بر قالب نهادهای انتصابی و انتخابی‌با راه آورد. بخش انتصابی عمدتاً نامین‌کننده کالای عمومی بوده (امتی، حقوق مالکیت و سایر حقوق و آزادی‌های اساسی، ثبات اقتصاد کلان و...) و تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی و داخلی و سیاست‌های کلان اقتصادی و قوه قضاییه و... را در اختیار داشته و در سوی دیگر معنی «دولت» عمدتاً امور اجرایی را عهده‌دار و نمایندگی‌کننده دستگاه بروکراتیک بوده است. دستگاهی که به سبب نقش بسیار اندک در عرضه کالای عمومی، تنظیم‌گری بی‌طرفانه و ثبات‌بخشی به اقتصاد کلان، به مداخله‌گری‌های مضر در عرضه کالای خصوصی روی آورده و مثلاً سعی کرده باقیمت‌گذاری در نرخ کالاها و خدمات، ارز، انرژی و... را استاندارد انواع نهادهای مداخله‌گر اعم از سازمان‌های تعزیراتی و حمایتی، سهمی از قدرت را مال خود کند. فرایندی که به سبب ضدیدت با اقتصاد مولد و ایجاد تعارضات مختلف در درون ساختار قدرت، به ناترازی‌های عظیم در بودجه و ارز و انرژی و صندوق‌های بانزینستگی و نظام بانکی و... انجامیده است. بر هر زدن این بازی و راه خروج از این بن‌بست تاریخی با مشارکت فعالانه نظام بروکراتیک به عنوان یکی از سه ضلع اصلی نظام حکمرانی است (دولت‌قوی، حاکمیت قانون و دموکراسی) در ایده‌پردازی و تصمیم‌سازی‌های کلان ممکن است. بی‌حاصل دانستن دستگاه بروکراتیک با چند میلیون مدیر و کارشناس و کارمند امری عقلانی نیست و با مهار کردن این غول بزرگ (سهم ۴۴ درصدی حقوق کارکنان دولت و جبران کسری منابع صندوق‌های بانزینستگی از منابع عمومی حدود ۶۰۰ همتی بودجه سال جاری) و کارآمد کردن آن از طریق باز کردن فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و آزادسازی و کاهش مقررات و واگذاری امور به نهادهای صنفی و مدنی و... در یک کلام حرکت به سمت «نظام دست‌ری‌باز» (خوشونت و نظم‌های اجتماعی - داگلاس نورث) می‌توان این مجموعه را در خدمت توسعه کشور قرار داد...

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۲

چرا اصلاح ساختار بودجه مهم است؟



زهراکریمی

شوروی از دهه ۱۹۲۰ میلادی با مشکل افول رشد اقتصادی مواجه شد؛ کمبود کالاها و خدمات به صورت جدی مردم را تحت فشار قرار داد و به علت کمبود کالا و خدمات فساد و نارضایتی گسترده‌ای میان مردم ایجاد شد. در آن دوران مردم برای به دست آوردن هر چیزی باید رشوه‌ای می‌پرداختند. علاوه بر این مساله کمبود و فساد و رشوه‌گری روی زندگی مردم بود، ناترازی‌هایی چون کم‌آبی، قطعی برق و... نیز مردم را آزار می‌داد. در عین حال مردم خبر داشتند که در کشورها صنعتی سطح رفاه بسیار بالاتری را تجربه می‌کنند و این شکاف باز هم منجر به افزایش نارضایتی‌ها شده بود. از دهه ۷۰ میلادی این کاهش رشد اقتصادی مدام شتاب می‌گیرد. در سال ۷۵ میزان رشد تقریباً به نصف اوایل دهه ۷۰ رسید. طی سال‌های ۷۵ تا ۸۰ و ۸۰ تا ۸۵ میلادی هم وضع به همین شکل بود. یعنی رشد اقتصادی به زیر یک درصد و براساس محاسبات آژانس اطلاعات مرکزی به ۲ درصد رسید و در این نقطه توقف کرد. این افول در رشد اقتصادی علامت مهمی است. باید توجه داشت، شاخص رشد اقتصادی از مهم‌ترین شاخص‌های محاسبه شده از سوی هر کشوری است. جالب اینجاست از اوایل دهه ۸۰ میلادی مدیران شوروی خبر داشتند که در چین اصلاحات اقتصادی بزرگی در حال زمینه‌سازی است و رشد اقتصادی در چین شتاب بسیاری گرفته است. مدیران ارشد شوروی با دقت اصلاحات در چین را دنبال می‌کردند و به دنبال این بودند که در تجربه موفق چین درس گرفته و در ادامه مشابه همان اصلاحات را اعمال کنند. پس شاخص‌های اقتصادی در خود اتحاد شوروی شاخص‌های نامناسبی بود و در مقابل تحولات اقتصادی در چین خبرهای مهمی را به تصمیم‌سازان اتحاد جماهیر شوروی انتقال می‌داد. اینکه می‌توان اصلاحات کرد و وضع اقتصادی کشور را تغییر داد، اما اصلاحات در چین در زمان مناسب و زودتر آغاز شد ولی این اصلاحات در شوروی در زمان مناسب و به‌موقع انجام نشد. مردم و نخبگان شوروی همگی اتفاق نظر داشتند که با روش‌های

یادداشت - ۳

اهمیت شفافیت ارزی



کاوه زرگران

در حالی که غذا و دارو مشمول تحریم‌ها نیستند و امکان تأمین آنها از مسیرهای بین‌المللی وجود دارد، بی‌ثباتی در تخصیص ارز و بدهی‌های انباشته موجب نگرانی تولیدکنندگان و تجار شده و باعث شده است. لابی‌های قدرتمند نمایندگان مدیران کشاورزی اشتراکی، تعاونی‌ها... از پاره‌های خیلی سخاوتمندانه بهره‌مند می‌شدند، لذا اینها به هیچ‌وجه حاضر نبودند که بودجه به نحوی اصلاح شود که پاره‌های پرداختی در هر سال کاهش پیدا کند. از سوی دیگر صنایع بزرگ و مجتمع‌های صنایع نظامی خیلی قدرتمند نیز وجود داشتند که آنها سهم بسیار بزرگی از بودجه را در اختیار داشتند. بعدها که گورباچف به قدرت رسید، مشخص شد سهم این نهادهای بودجه‌چیزی بیش از ۴۰ درصد بوده است. در سال‌های نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی هیچ کدام از این گروه‌های قدرتمند حاضر به کاهش منافع خود نبودند تا بار اصلاحات را به دوش بکشند. کار به جایی رسید که یا اصلاحات نامناسبی بودجه به نفع اینها می‌رسید یا اگر هم تصویب می‌شد در اجرا دچار انحراف می‌شد. نهایتاً برنامه‌های اصلاحات عملاً به تعویق افتاد و امکان ایجاد یک تحول اساسی در شوروی از دست رفت. هر چند یک مقدار فضای سیاسی باز شده بود ولی اصلاحات اقتصادی عملاً ناممکن شد و تشدید کمبودها و بعد افزایش قیمت کالاها و خدمات در بازار سیاه را ایجاد کرد. روندی که باعث افزایش نارضایتی مردم شد. امسال به علت کمبود برق و گاز کشور، اغلب استان‌ها با با معضل ناترازی‌ها و تعطیلی مواجه شدند و آسیب‌های بسیاری را متحمل شدند. اختلاف‌نظری وجود ندارد که این وضعیت باید تغییر کند، اما هر دولتی که روی کار می‌آید این اصلاحات ضروری را به تعویق می‌اندازد. ناترازی یا کمبود طرف عرضه در مقایسه با تقاضای فزاینده مشکلی که در طول زمان دارد مدام در حال تشدید است بار سنگینی را در بودجه ایجاد کرده است. دولت چهاردهم اما اعلام کرده بودجه باید اصلاح شود، در آینده به ضرورت‌های این رویکرد اصلاحی اشاره خواهیم کرد. (ادامه دارد...) ۲

یادداشت - ۴

پذیرش شجاعانه نقش دولت در مشکلات بنیادین اقتصاد



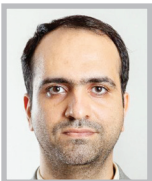
عباس علوی‌راد

دکتر مسعود پزشکیان در یکی از گفت‌وگوهای اخیر خود با فعالان رسانه‌ای به این نکته اشاره کرده که: دولت یکی از عوامل اصلی تورم در اقتصاد ایران است. (منتشر شده توسط معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رییس‌جمهوری) واقع آن است که نگارنده رییس‌جمهوری را پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمی‌شناسد که با این صراحت نقش دولت‌ها در ریشه‌های مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را مطرح نموده باشد. اینکه رییس‌جمهور پزشکیان صریح و قاطع دولت‌ها را یکی از عوامل اصلی تورم می‌داند ما را متوجه «خطاهای سیستماتیک» دولت‌ها در اقتصاد ایران می‌نماید که نگارنده از سال‌ها قبل آن را در قالب کرسی ترویجی نقد در دانشگاه مطرح نموده است. ارزیابی کارنامه اقتصادی دولت‌های مستقر پس از جنگ تحمیلی در کشور از دریچه فرآیند‌های نشان می‌دهد ناکامی‌ها در اقتصاد ایران ناشی از خطاهای پایه و ویژگی مشترک است. ویژگی (اول) خطاهایی که نسبت به تمام آنها آگاهی کامل وجود داشته است. ویژگی (دوم) خطاهایی که بروز و آثار مخرب آنها قابل پیش‌بینی بوده است. ویژگی (سوم) خطاهایی که در طول زمان روی دور تکرار بوده است. شخصان دسته‌ای خطاهای اقتصادی ایران در دولت‌های مستقر پس از جنگ تحمیلی دارای این سه ویژگی را «خطاهای سیستماتیک» قلمداد می‌کنم. در اینجا برخی از مهم‌ترین خطاهای سیستماتیک اقتصاد ایران در دولت‌های مستقر پس از جنگ تحمیلی معرفی می‌گردد: (۱) وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و نامی اقتصادی ناشی از آن. وابستگی به درآمدهای نفتی یکی از آسیب‌های جدی اقتصاد ایران است. (۲) بی‌انضباطی مالی دولت‌ها، کسری بودجه دائم، سلطه مالی و رشد نقدینگی بالای نامتناسب با رشد اقتصادی که منجر به تورم‌های شدید پایدار شده است. این مشکل هم یکی از کاستی‌های دیگر است که باعث کژکارکردی‌های اقتصادی شده است. (۳) کسری‌های ارزی، تکانه‌های ارزی شدید و کاهش مستمر ارزش پول ملی... ۳

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۵

اثر نرخ بهره بر بورس



محمد خبری‌زاد

در بازارهای مالی جهان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بورس، نرخ بهره است. عاملی که در ماه‌های اخیر به تهدیدی جدی برای بازار سرمایه تبدیل شده است. نرخ بهره در دو مسیر اصلی بورس اثر می‌گذارد: ایجاد جذابیت در بازارهای رقیب و تغییر مدل ارزش‌گذاری سهام. در مسیر اول، با افزایش نرخ بهره، بازار پول شامل سپرده‌های بانکی و صندوق‌های درآمد ثابت جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران پیدا می‌کند. سرمایه‌های موجود در بازار به سمت خرید سپرده بانکی، صندوق‌های درآمد ثابت و اوراق قرضه دولتی نیز با نرخ‌های بالا، همین روند را تقویت می‌کنند و بخشی از نقدینگی را از بازار سهام خارج می‌سازند. اما اثر دوم، مستقیم‌تر است: کاهش تقاضای شرکت‌هاست. در مدل‌های مالی، نرخ بهره بخشی از محاسبه نرخ‌بدون ریسک یا همان «Free Risk» محسوب می‌شود. هرچه نرخ بهره افزایش یابد، نرخ‌بدون ریسک بالاتر می‌رود و در نتیجه، نسبت قیمت به سود (P/E) مورد انتظار سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد. این تغییر، به معنای افت ارزش ذاتی سهام شرکت‌هاست و مستقیماً جذابیت بازار سهام می‌کاهد. تجربه اخیر بازار سرمایه ایران نشان می‌دهد که از بهمن ۱۴۰۲ با صدور گواهی سپرده ویژه یکساله توسط بانک‌ها و مجوز بانک مرکزی، نرخ‌های رسمی به سطح ۳۰ درصد رسید. بانک‌ها با روش‌های مختلف حتی سود بالاتری به سپرده‌های کلان پرداخت کردند و این سیاست عملاً جریان سرمایه را از بورس به سمت سپرده‌های بانکی، صندوق‌های درآمد ثابت و اوراق دولتی هدایت کرد. نتیجه این روند، رکود معاملاتی در بورس و کاهش تمایل سرمایه‌گذاران به خرید سهام بود. این در حالی است که مسوولان بانک مرکزی در اظهار نظرهای رسمی از حمایت از بازار سهام سخن گفتند، اما افزایش نرخ بهره، به خودی خود، ضربه‌ای بزرگ به اعتماد و نقدینگی بورس وارد کرده است. اگر این سطح نرخ بهره اعمال نمی‌شد، نیازی به اقدامات حمایتی مقطعی در دوره‌های بحران بازار سرمایه نیز به وجود نمی‌آمد. رشد نرخ بهره بی‌تردید اثری کاهنده بر بازار سهام دارد و با وجود این، شواهد نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور در... ۴

ادامه در صفحه ۴

به شماره ۳۲۰۵۳۰۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

سامانه پیامکی روزنامه تعادل